

معرفی کتاب

Simple Heuristics That Make Us Smart

Gerd Gigerenzer & Peter M. Todd

New York: Oxford University Press, 1999

SIMPLE
HEURISTICS
THAT MAKE US
SMARTGERD GIGERENZER, PETER M. TODD,
AND THE ABC RESEARCH GROUP

یافتارهای ساده‌ای که ما را هوشمند می‌سازند

این کتاب در واقع مجموعه‌ای از مقالات است که و گیگرینتسر و تاد ویراستاری آنرا بعهدده دارند به موضوع یافتارهای heuristics ساده می‌پردازد. کتاب درباره تصمیم‌گیری در مواردی که اطلاعات کافی در زمینه‌ای وجود ندارد، بحث می‌کند و این خط‌مشی در تمامی مقالات با وجود داشتن نویسندگان متعدد مشاهده می‌شود: هنگامی که صحبت از تصمیم‌گیری عقلانی rational می‌شود این گونه به ذهن متبادر می‌شود که ذهن تمامی شرایط را سنجیده و با سبک و سنگین کردن آنها تصمیم می‌گیرد و در واقع تعریف عقلانیت نیز همین است اما این گونه تصمیم‌گیری در جهان واقعی رخ نمی‌دهد و مختص موجودات خیالی demons است. ما همواره با محدودیت اطلاعات، امکانات و زمان و توانایی ذهنی مواجه هستیم و باید از اطلاعات موجود به گونه حداکثر بهره را ببریم. در این میان ۲ نوع پردازش عقلانی یا عقلانیت با محدودیت bounded rationality وجود دارد. یکی یافتارهای ساده و مختصر fast & frugal heuristics و دیگری اقتناع Satisficing. هربرت سیمون از پیش‌تازان "عقلانیت با محدودیت" است. او ابراز می‌دارد که نباید اینگونه عقلانیت را با انتخاب بهینه در اثر محدودیت اشتباه کرد. نوع اخیر جنبه‌ای از عقلانیت است که برای ذهن قدرتی نامحدود و خیالی demonic در نظر می‌گیرد.

اصطلاح Satisficing ابداع هربرت سیمون است. بر طبق نظر او گونه‌ای از انتخاب عقلانی به شکلی است که در آن هرگاه شرایط مورد نیاز ارضاء یا اقتناع گردید جستجو برای جایگزین متوقف می‌گردد و گزینه‌های بعدی پردازش نمی‌شوند. بعنوان مثال در جستجوی همسر هیچگاه نمی‌توان تمامی انسانها یا صفات آنها را با یکدیگر مقایسه کرد و بهترین انتخاب را به جا آورد (این نوع انتخاب همان انتخابی است که توسط ذهنی خیالی و غیر واقعی صورت می‌پذیرد). در عمل وقتی به آنچه مطلوب ماست می‌رسیم جستجو را متوقف می‌کنیم هر چند به حکم عقل انتخاب‌های بهتری نیز در پیش بوده است که از آنها صرف نظر شده است. نوع دیگر عقلانیت استفاده از یافتارهای ساده است. در این یافتارها از قواعد سر انگشتی rules of thumb استفاده می‌شود.

در فصول بعدی کتاب شواهد تجربی فراوانی ارائه شده‌اند که کارایی اینگونه یافتارها را نشان می‌دهند. یکی از موارد جالب پیش بینی موفقیت سهام یک شرکت در بازار بورس است. نتایج تجربی نشان داده‌اند که گاهی نظر اشخاص عامی از متخصصین فن در این امر کارآمدتر است. افراد غیر متخصص صرفاً بر اساس یافتار آشنا بودن نام recognition heuristics عمل می‌کنند و به شرکت‌هایی که صرفاً اسم آنها را قبلاً شنیده‌اید رای

می‌دهند ولی متخصصین فن به شاخصهای متعددی توجه دارند.

در فصل ۲ و ۳ کتاب ادله متعددی ذکر شده است که علت ارجحیت انتخاب بر اساس صرفاً آشنا بودن اسم بر مؤلفه‌های متعدد اقتصادی را توضیح می‌دهد. در فصول ۳ تا ۶ کتاب بر اساس مطالعات تجربی نشان می‌دهد که گاهی کمتر دانستن و داشتن اطلاعات کمتر باعث بهتر شدن انتخاب می‌گردد و آنهاست که تلاش می‌کنند بر اطلاعات خود بیافزایند، تصمیم‌های نادرست‌تری اتخاذ می‌کنند. این کتاب نیز به سان کتاب Sources of Power که در صفحات قبل معرفی گردید بر جنبه‌های دیگری از عقلانیت که در نظامهای کلاسیک و علمی از آنها غفلت می‌شود تأکید دارد و اشاره دارد که دانستن بیشتر همواره به انتخاب درست‌تر منجر نمی‌شود و گونه‌ای اقتصاد ذهن بر عقلانیت ایده آلیستی سایه افکن است. این کتاب در مقایسه با کتاب قبلی تخصصی‌تر و فنی‌تر بوده و بعضی فصول آن نیاز به خواندن مکرر دارند. هر چند سبک بیان فصول این کتب علمی‌تر از کتاب "ریشه‌های قدرت" تألیف کلاین است اما شیوایی کمتر و ابهام بعضی فصول از جذابیت آن بویژه برای خواننده‌ای که قصد درگیری کامل با محتویات کتاب را ندارد، می‌کاهد.